

تحلیل ساختاری مکر و حيله زنان در قصه های هزارو یک شب

دکتر محبوبه خراسانی

استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد

دکتر کنایون مزداپور

استاد پژوهشگاه علوم انسانی

طیبه ذنوبی*

چکیده

در این مقاله سعی شده است با تحلیل ساختاری مکر و حيله زنان قصه های هزارو یک شب، ویژگی این قصه ها بررسی، و به مسائلی که در این زمینه مطرح است مانند ساختار قصه ها، نوع و نتیجه کنش ها و انگیزه این مکرها پاسخ داده شود. اساس کار، کتاب ریخت شناسی قصه های پریان پراپ و به کارگیری الگوی وی در کتابهایی نظیر درآمدی بر ریخت شناسی هزار و یک شب بوده است.

با اینکه در ابتدا گمان می رفت که مکرهای زنان فریبکار هزار و یک شبی، فقط واکنشی است؛ یعنی در پاسخ به نابرابری ها، اعمال قدرت و ... نیرنگ هایی صورت می پذیرد که آن را واکنش می نامیم، اما در این پژوهش مشخص شد که حرکت های کنشی و ابتدا به ساکن نیز از سوی فریب گران صورت می گیرد که تعداد آن ۶۴ مورد و در مقابل تعداد واکنش ها -۶۹ مورد- قابل توجه است. نکته قابل ذکر این است که در بیشتر موارد، یعنی ۵۴ بار، حرکت های واکنشی عادلانه و موفق است.

کلیدواژه ها: نقد ادبی، ریخت شناسی در قصه های هزار و یک شب، داستانهای. هزار و یک شب، مکر زنان در ادبیات فارسی.

مقدمه

هزارویک شب با قصه‌ها و حکایت‌های شیرین و پندآموزش، گنجینه‌ای است از فرهنگ مردم قرن‌های دور سرزمین ما و سرزمین‌هایی که نویسنده بدان سفر کرده است. هزارویک‌شبی را که اکنون در دست ماست، عبداللطیف طسوجی در قرن چهاردهم هجری ترجمه کرده است. دستاورد فرهنگ هند و ایران و عرب، که نه تنها برای مردم عامه، زیبا و دلنشین است، بلکه پژوهشگران و علاقه‌مندان به علم و ادب شیفته پژوهش در زمینه‌های مختلف آن شده‌اند.

حتی در اروپا و آمریکا و کشورهای خارجی، شهرزاد کاملاً شناخته شده است؛ شخصیتی که نماد قصه و قصه‌گویی است و در میان توده‌های مختلف مردم از شهرت و محبوبیت ویژه و ممتازی برخوردار است. همین واقعیت باعث شد که سال ۲۰۰۴ میلادی از سوی یونسکو سال جهانی هزار و یک شب نام‌گذاری شود (سجادی، ۱۳۸۵: ص ۱۱۴).

قصه‌های هزارویک شب، که با قصه‌گویی شهرزاد آغاز می‌شود در واقع هزار و یک داستان دربرندارد، بلکه مجموعه دوپست و چند قصه است که در هزار و یک شب، برای پادشاهی خونخوار روایت می‌شود. این کتاب، صحنه نمایشی است که در آن شخصیت‌های گوناگونی به هنرنمایی می‌پردازند. از مردان جنگجو و دلاوران شجاع، عفریتها و غولهای بیابان و صاحبان مشاغل مختلف در اجتماع گرفته تا زنان که به شیوه خاص خود و با تدبیرهای زنانه به هدف و مقصود می‌رسند! داستانی طولانی به درازای هزار و یک شب، که مدخلش، مکر زنانه است؛ مکر بر پادشاهی ستمگر که به دلیل انتقام از همسر خیانتکارش، به کشتن تمام دختران شهر دست می‌زند. شهرزاد به یاری خواهرش - دنیا زاد- برای مبارزه با این بیداد قیام می‌کند و با ابزار زبان و افسون کلام و قصه‌گویی تا هزار و یک شب بر خشم و قهر شاه پیروز می‌شود. «او در زنانگی خود دارنده عنصری است که با آن مرزهای نبردی تازه برای اندیشه قانون و اخلاق را به پیش می‌برد و آن سخنوری و روایتگری است» (مهندس‌پور، ۱۳۸۶: ص) و سرانجام نه تنها جان خود که جان دختران شهر را نیز نجات می‌بخشد و هم‌چنین باعث خوشامد شاه شده، آرامش را به او هدیه می‌کند و جای انتقام، مهر و عشق رادر قلبش جایگزین می‌گرداند و اثری جاودان از تدبیر ارزنده خویش بر جای می‌گذارد.

این تدبیر شهرزاد یعنی به‌کارگیری نیرنگی موفق و کارآمد که شروع داستان است، بسامد

نسبتاً زیادی در کتاب دارد؛ یعنی هر جا زنی با قدرتی برتر و قویتر از خود، اعم از مردان، رقیبان و حتی هم‌جنسان خود روبه‌روست، تدبیر زنانه - به تعبیر مثبت و حيله و فریب به نگاه منفی و بد- رخ می‌نماید و حتی بنمایه و پیرنگ اصلی قصه و حکایت قرار می‌گیرد؛ چنانکه کمتر اثری از متون فارسی چنین ویژگی‌ای دارد. به گفته ستاری «قصه‌گوی هزارویک شب، پسری چون مسیح نمی‌زاید، اما در بدترین حالات به یارمندی سخن که افزار پیوند است در تلاش رهایی و دست یافتن به ساحل دیگر است» (ستاری، ۱۳۶۸: ص ۹۵).

در لغتنامه دهخدا ذیل واژه مکر چنین آمده است: فریب (منتهی‌الارب). فریب، ریو، تنبل و حيله و خدعه و فریب دادگی و تزویر و ریا و دورویی و غدر (ناظم‌الاطباء). فریب و با لفظ بستن و کردن مستعمل (آندراج). دستان، فسون، افسون، گربزی، خداع، خدیعت، ترفند، کید، مکیدت، سگالش، بدسگالی، چاره، خب، تلییس، ختر، غیلۀ، محل، کنبوره، رنگ، نیرنگ و کیمیا (یادداشت به خط مرحوم دهخدا) و در باب واژه فریب چنین می‌خوانیم: در زبان پهلوی فرپ و هم‌ریشه است با فریفتن (از حاشیه برهان چ. معین). عشوه و مکر و غافل شدن یا غافل کردن به خدعه (برهان). مکر در اصطلاح یعنی کنشی که به واسطه آن چیزی را به کسی بقبولانیم بدون اینکه راست باشد یا واقعیت داشته باشد. از آنجا که در بیشتر مطالعات زن‌محور هزار و یک شب، جای تحلیل نقد ادبی متن که استوار بر ویژگیهای خاص ساخت و صورت ادبی آن باشد، خالی است بر آن شدیم تا با نگاهی ساختاری به تحلیل مکر زنان پردازیم.

روش کار

آنچه ما را در به‌کارگیری روش پراپ در بررسی حکایت‌های هزارویک شب مردّد می‌کرد، تأکید وی در انحصار شیوه‌اش به قصه‌های پریان بود؛ حتی اگر مطالعه‌ای از این دست برای قصه به طور عام ممکن نباشد برای آن گروه از قصه‌ها که قصه پریان^۱ نامیده می‌شود؛ یعنی قصه در همین مفهوم خاص کاراست (پراپ، ۱۹۶۸: ص ۱۲). در بررسی‌های بعدی معلوم شد که دیگر محققان، شیوه پراپ را در بررسی انواع دیگر قصه به کار گرفته‌اند و حتی پژوهشگران در انواع دیگری از تجلیات فرهنگ عامه مثل حماسه و رقص از این ساخت استفاده کرده‌اند (هانریش، ۱۹۷۰: ص ۱۱) (خراسانی، ۱۳۸۷: ۲۱).

پس به این ترتیب مشکلی در پرداخت به این موضوع نیست. در جایی دیگر نیز آمده است: پراپ در ضمن نقد کتاب «ادبیات نانوشتاری» از اسپرانسکی می‌نویسد: نه تنها مواد کار برای پرداخت منسجم مطالعه قصه موجود است بل مجموعه‌های عظیمی چون هزار و یک شب در دسترس است (همان: ۲۲-۲۱). بنابراین پژوهش در حوزه نقد ساختارگرایانه و متن هزارویک شب به خاطر اشاره خود پراپ و به کارگرفته شدن الگوی وی تأیید شده است.

در این پژوهش تمامی حکایت‌های هزارویک شب مطالعه، و به جای نمونه‌گیری تصادفی ۱۰٪ نمونه‌ها برگه‌نویسی شد. از میان دویست و چند قصه، پنجاه حکایت به مکر زنان اختصاص داشت که بنا به روش پراپ در پی پیدا کردن نقش‌ویژه‌ها یا کنش‌های قصه‌ها بودیم تا به تبیین آنها و کاهش شخصیت‌ها بپردازیم. الگوها و جدولها و تقسیم‌بندی‌های صوری نیز از کتاب «درآمدی بر ریخت‌شناسی هزارویک شب» گرفته شده است.

پیشینه تحقیق

مکر زنانه به عنوان موضوعی خاص از دیرباز در ادبیات، جایگاهی ویژه به خود اختصاص داده است چه در کتاب‌های اخلاقی و اجتماعی همچون سندباد نامه، کلیله و دمنه و مرزبان نامه که مسائل اخلاقی اجتماعی از زبان حیوانات بیان می‌شود و چه در قالب شعر یا نثر یا داستان‌های شفاهی، این موضوع از دیدگاه‌های مختلف مورد توجه قرار گرفته است. واکنش زنانه در مقابل قدرت مردانه ونا برابر ویا ویژگی ذاتی زنانه در اصل آفرینش، تفسیرها و توجیه‌هایی است که برای این ویژگی در قالب نقدها، مقاله‌ها و تجزیه و تحلیل متن‌های ادبی صورت می‌پذیرد و هزار و یک شب، که گاه کتاب مکر زنان نیز خوانده شده است در این پژوهش از دید ساختاری مورد بررسی قرار می‌گیرد. لاهی هولبگ بر این باور است که:

در هزار و یک شب که آئینه جهان است، سرّی نهفته است که باید کشفش کرد و آن نقش والایی است که در هر جای کتاب به زن تعلق گرفته و ذکاوتش با هوش مرد مقابل شده و همه کارهای بزرگ و قهرمانی که معمولاً به مرد منسوب است، دستاورد زن به شمار آمده است. در هزار و یک شب، شاهد نبرد تن به تن میان روح آزاد و جبر و دانایی و نادانی و روشنایی و تیرگی هستیم و آن که در این پیکار، پیروز می‌شود، زن است نه مرد (ستاری، ۱۳۸۸: ص ۱۰).

اما به راستی چرا مکر؟ آیا این مکر واکنشی است فقط در مقابل مردان یا دامنگیر زنان نیز می‌شود؟ آیا حرکتی است کنشی یا...؟ برای پاسخ به این سؤالات، پژوهش‌های مختلفی با اهدافی متفاوت، صورت گرفته است. گاه جامعه‌شناس جستجوگر را به تحقیق در این زمینه تشویق، و گاه پژوهشگر علاقه‌مند به مضامین اخلاقی و روانشناسی را به کاوش ترغیب کرده است.

شاید غلو نباشد اگر گفته شود دغدغه اولیه اندیشه تألیف کتابهایی چون «شناخت هویت زن ایرانی»، که در تب و تاب جستجوی رد پای زنان در تمدن انسانی است و موقعیتهای گمشده او را در دوره‌های مختلف بررسی می‌کند و یا کتاب «اسطوره‌شناسی زنان»، که به دنبال برشمردن و معرفی ایزدبانوان در فرهنگهای مختلف است، همین آگاهی او به خودش، حالات درونی و کشف کنشهای مختلفی است که به مرور زمان، شخصیت زن را در جامعه شکل می‌دهد.

موضوع شناخت زن در فرایند تکاملی بشر از این جهت نیازمند بررسیهای مکرر است که بتواند پرده از ابهامات بردارد و پیشداوریها را درباره او که به صورت گناهکار ازلی شناسانده شده به کناری نهد و با طرح نقش زن در تکامل انسان امروزی، موجب دگرگونی و بهروزی زندگی اجتماعی بویژه در کشورهای عقب مانده شود (لاهیجی و کار، ۱۳۷۱: مقدمه).

مزداپور به طور اختصاصی به موضوع مکر و فریب پرداخته است و برای پاسخ به پرسش‌هایی نظیر «چرا زنان مکاره و محتاله‌اند و چرا عیاران خلاف پهلوانان تک‌سوار و زورمند و گردن‌کلفت به حیلت می‌پردازند و ترفند و کلک زدن را رجحان می‌نهند؟ آیا کوشندگی برای دست یافتن به کدام امتیاز است که حقه‌بازی و چاره‌جویی را ایجاب می‌کند؟ آیا زن حيله‌گر است و در طبیعت و سرشت او حک شده است که باید آب زیر گاه و مرد رند باشد یا جامعه و رفتار بهنجار اجتماعی او را چنین می‌پسندد و یا اصلاً تهمتی است که بر او روا داشته‌اند تا او را به صورت جنس دوم و موجودی مشابه با انسان قلمداد نمایند؟» (سراغاز، ۱۳۷۴: کتاب «دلیله محتاله و مکر زنان» را تألیف، و سعی کرده است در قسمت دوم یعنی «جهیکا کیست؟» پاسخهایی مناسب بیابد.

ابراهیمی در مقاله «چاره‌گریهای زنانه در هزار و یک‌شب»، شخصیت‌های مختلف زن را به ما می‌شناساند و آنها را بنا بر موقعیت اجتماعی طبقه‌بندی کرده است. وی به حضور و نقش زنها در داستانها می‌پردازد اما معلوم نمی‌کند که اگر از چاره‌گری سود می‌جویند، انگیزه و هدفشان چیست؛ آیا موفقند یا ناموفق و...

تحلیلهای جامعه‌شناختی جلال ستاری در آثارش در باب هزارویک شب مانند «افسون شهرزاد» که به بررسی شخصیت شهرزاد از جنبه‌های مختلف منجر می‌شود و تلاشی که در کتاب «عشق و شعبده» برای شناخت شخصیتها، ساختمان قصه‌ها، رمز و نشانه‌ها و تقسیم‌بندی مضمونی داستانها و... انجام گرفته، راهگشای خوبی برای آشنایی خواننده از زمینه‌های شناخت جامعه و روانشناسی این متن است.

به کارگیری نقد ساختگرایانه متن هزارویک شب در کتاب «درآمدی بر ریخت‌شناسی هزارویک شب» جمع شده است. نویسنده در این اثر حکایت‌های جامع این متن را تحلیل کرده است تا به ساخت نهایی قصه‌های آن دست یابد.

ساختار مکر زنان هزارویک شبی

پراپ پس از بررسی بسیاری از قصه‌های تخیلی روسیه نشان می‌دهد که تمام این قصه‌ها بر پایه ساختار واحدی تشکیل شده است؛ بدین معنی که رویدادهای مختلف در تمام قصه‌ها یکسان است و همیشه سلسله مراتب خاصی را طی می‌کند (بالائی و کویی پرس، ۱۳۷۸:ص ۲۷). بنابراین با تقسیم‌بندی و فرمول‌گذاری آنها، علم روایت‌شناسی را پایه‌گذاری کرد و نظریه اصالت ساخت یا ساختگرایی بنیان نهاده شد. «نظریه‌ای که در چند دهه اخیر، بیشترین تأثیر را در علوم انسانی و علوم اجتماعی به جای گذاشت» (پراپ، ۱۳۸۶: مقدمه) و ما را در یافتن پاسخ بسیاری پرسش‌ها در این پژوهش یاری کرد.

بررسی ساختاری مکر زنان در هزارویک شب، این امکان را داد که دریابیم از بین دو بیست و چند داستان این کتاب، پنجاه حکایت آن به مکر زنان تعلق دارد به گونه‌ای که در بعضی از داستانها نیرنگ و فریب، بنمایه و اصل داستان را تشکیل می‌دهد و در بعضی حکایتها در حاشیه قرار می‌گیرد.

در این پنجاه حکایت با صد و پانزده مکر روبه‌رو هستیم که فریبگران با انگیزه‌های گوناگون در صدد کسب موفقیت هستند. فریبگران، موقعیتهای مختلف اجتماعی دارند؛ از خاندان سلطنتی گرفته تا زنان معمولی و حتی کنیزانی که به خدمت گمارده می‌شوند برای موفقیت در مقابل قدرت برتر به چاره‌گری متوسل می‌شوند.

در هزارویک شب، هر جا نیرنگ زنی پررنگ است با قدرتی برتر و یا خواسته‌ای، نیازی و نداشته‌ای روبه‌رو هستیم که زن برای رسیدن به آن جز نیرنگ راهی دیگر نداشته است. به گفته مزدآپور «هر جا زنی جدای از مرد از کار و نام و عزت به دور می‌افتد برای رهیدن از این بن بست باید به چیزی چنگ بزند که مکر و چاره‌گری زنانه

تحلیل ساختاری مکر و حيله زنان در قصه‌های هزار و یک‌شب

نام دارد (۱۳۷۴: ۱۱۴)؛ برای نمونه پنج حکایت مکرری هزارویک شب بررسی می‌شود تا به تحلیل یافته‌ها بر پایه این نوع مطالعه پرداخته شود:

خلاصه حکایت اول «زن صدقه‌دهنده»

پادشاهی به مردم امر کرد که صدقه ندهند و اگر دادند مجازات می‌شوند. ۱ زنی به سائلی که بسیار التماس کرد دو قرص نان داد ۲ و شاه او را مجازات کرد. ۳ پس از مدتی ملک زن خواست. مادرش او را به زنی رهنمون شد که بسیار زیبا بود اما دست نداشت و این همان زن صدقه‌دهنده بود. شاه با او ازدواج کرد. ۴ مدتی بعد زنان ملک حسادت کردند و او را فاجره خواندند. ۵ ملک باور کرد و او را مجازات کرد ۶ و با دو فرزندش از خانه بیرون کرد و به صحرا فرستاد. در صحرا فرزندانش آب خواستند، زن خواست آنها را آب بدهد، اما فرزندانش در آب افتادند. ۷ دو مرد ظاهر شدند و فرزندانش را نجات دادند و دستهایش را به او بازگرداندند و گفتند ما همان دو قرص نان هستیم ۸ (طسوجی، ۱۳۸۶، ج:ص ۹۴۷).

نمادها

۱	I	وضعیت اولیه	۵	N	نیرنگ
۲	S	سرپیچی	۶	M	مجازات
۳	M	مجازات	۷	X	شر
۴	E	ازدواج	۸	Y	رفع شر

ساختار حکایت

تبادل اولیه	۱- پادشاهی به مردم امر کرد که صدقه ندهند و اگر دادند مجازات می‌شوند.
برهم خوردن تبادل	۲- زنی به سائلی کمک، و پادشاه او را مجازات می‌کند. ۳- پادشاه زن می‌خواهد و مادرش او را به زنی رهنمون می‌شود که دست ندارد و این همان زن است و پادشاه با او ازدواج می‌کند. ۴- زنان حسادت می‌کنند و او را فاجره می‌خوانند. ۵- پادشاه او را با دو فرزند به صحرا می‌فرستد. ۶- هنگام آب خوردن در صحرا فرزندانش به آب می‌افتند.
تبادل دوباره	۷- دو مرد ظاهر می‌شوند و دو فرزندش را نجات می‌دهند و رفع شر می‌شود.

نوع کنش		شخصیتها	
تهمت	نوع فریب	زنان ملک	فریبگر
حسادت	علت فریب	ملک	فریب خورده
واکنش	نوع عمل	دو قرص نان	یاریگر
پیروزی	نتیجه		

خلاصه حکایت دوم «برنج فروش»

مردی به زنتش درمی داد که برنج بخرد. زن به دکان رزاز رفت.^۱ مرد رزاز زن را فریب داد^۲ و با اشاره گفت که برنج با شکر خوب است!^۳ زن به سخنانش فریفته، و داخل دکان شد. سپس رزاز فریبی دیگر به کار برد به شاگرد گفت که به جای برنج در دستارچه او خاک و سنگ بگذارد.^۴ زن به خانه برگشت و شوهر از محتوای داخل دستارچه مطلع شد و علت را پرسید. زن فکری کرد و گفت:^۵ درم در بازار گم شد و من برای برداشتنش خجالت کشیدم. تمام خاک و سنگی که آنجا بود، برداشتم. اکنون تو غربال بردار که چشمانت بیناتر است و ببین آیا آن درم را می‌یابی؟ مرد چنین کرد و تمام ریشش خاکی شد^۶ (طسوجی، ج ۲: ۱۳۷۶).

نمادها

۱	I	وضعیت اولیه	۴	X ₂	شر ۲
۲	N ₁	نیرنگ ۱	۵	N ₂	نیرنگ ۲
۳	X ₁	شر ۱	۶	M	مجازات

ساختار حکایت

تبادل اولیه	۱- قهرمان، همسرش را برای خرید به بازار می فرستد. ۲- ضد قهرمان به همسر قهرمان نیرنگ می زند و در دستارچه به جای برنج سنگ و خاک می گذارد
برهم خوردن	۳- زن قهرمان به خانه می گردد و موضوع را از شوهرش مخفی می دارد. ۴- قهرمان از محتویات داخل دستارچه جويا می شود.
تبادل اولیه	۵- زن قهرمان گم شدن پول را بهانه می کند و از او می خواهد محتویات دستارچه را غربال کند تا پول پیدا شود.
تبادل دوباره	۶- قهرمان چنین می کند و گرفتار می شود.

_____ تحلیل ساختاری مکر و حيله زنان در قصه‌های هزار و یک‌شب

نوع کنش		شخصيتها	
دروغ	نوع فریب	زن قهرمان	فریبگر
ترس از مجازات	علت فریب	قهرمان (مرد)	فریب خورده
واکنش	نوع عمل	_____	یاربگر
موفقیت	نتیجه		

خلاصه حکایت سوم «پیر واستر»

مردی زنی داشت.^۱ روزی سفری برایش پیش آمد؛^۲ وقتی بازگشت، متوجه شد که زن به او خیانت کرده است.^۳ زن مرد را به شکل سگی طلسم کرد^۴ و از خانه بیرون راند.^۵ سگ در پی قصاب به خانه اش وارد شد. دختر قصاب^۶ تا سگ را دید دریافت که وی طلسم شده است. دختر، سگ را به صورت اول درآورد^۷ و به مرد آموخت که چگونه زن خود را به خر تبدیل کند. مرد نیز چنین کرد.^۸ (همان، ج: ۱: ۲۰)

نمادها

شر ۲	X ₂	۵	وضعیت اولیه	i	۱
پیدا شدن یاربگر	Ω	۶	دور شدن	e	۲
فریب ۲	j ₂	۷	شر ۱	x ₁	۳
مجازات	p _U	۸	فریب ۱	j ₁	۴

ساختار حکایت

۱- قهرمان زنی دارد. ۲- قهرمان به سفر می‌رود.	تعادل اولیه
۳- ضد قهرمان به قهرمان خیانت می‌کند. ۴- ضد قهرمان به قهرمان نیرنگ می‌زند.	برهم خوردن تعادل
۵- ضد قهرمان، قهرمان را از خانه می‌راند. ۶- یاربگر وارد قصه می‌شود.	
۷- قهرمان نجات پیدا می‌کند. ۸- ضد قهرمان مجازات می‌شود.	تعادل دوباره

نوع کنش		اشخاص قصه	
جادو/ دو بار	نوع فریب	ضد قهرمان(زن)/ یاری‌گر(دختر قصاب)	فریبگر
فرار از مجازات/ نجات هم‌نوع	علت فریب	قهرمان(مرد)/ قهرمان(مرد)	فریب خورده
واکنشی / واکنشی	نوع عمل	دختر قصاب	یاریگر
پیروزی فریب‌گر دو بار	نتیجه		

خلاصه حکایت چهارم «شاهزاده بهرام و دختر ملک»

دختری از دختران ملوک زبانزد زیبایی،^۱ و شرط گذاشته بود کسی می‌تواند با او ازدواج کند که بتواند او را در جنگ شکست دهد.^۲ القصه، پسران ملوک بسیاری آمدند اما آنها را شکست می‌داد.^۳ پسری از پادشاهان به نام بهرام^۴ به قصد ازدواج با او روانه آن شهر، و با دختر آماده کارزار شد.^۵ در بین جنگ دختر که متوجه شد، بهرام بسیار قوی است و اگر حيله‌ای بکار نبرد، ملک زاده بر او چیره می‌شود، نقاب از رخ بر کشید^۶ و ملک‌زاده با دیدن آن چهره عقل از سرش برفت و شکست خورد^۷ (همان، ج ۲: ۱۴۰۸).

نمادها

۱	i	وضعیت اولیه	۵	L	جنگ
۲	A	انجام دادن کار سخت	۶	j	فریب
۳	vi	پیروزی	۷	vi	پیروزی قهرمان
۴	Φ	پیدا شدن ضدقهرمان			

ساختار حکایت

تبادل اولیه	۱- قهرمان (زن) بسیار زیبا بود. ۲- قهرمان برای ازدواج شرط گذاشته بود. ۳- ضد قهرمان شرط ازدواج را پذیرفت.
برهم خوردن تعادل	۴- قهرمان با ضد قهرمان وارد جنگ شد. ۵- قهرمان حيله ای به کار برد.
تبادل دوباره	۶- قهرمان پیروز شد.

تحلیل ساختاری مکر و حيله زنان در قصه‌های هزار و یک‌شب

نوع کنش		اشخاص قصه	
عشوه‌گری و دلبری	نوع فریب	قهرمان (زن)	فریبگر
نجات خود	علت فریب	ضد قهرمان /	فریب
واکنش	نوع عمل	(بهرام)	خورده
پیروزی فریبگر	نتیجه	—	یاربگر

خلاصه حکایت پنجم «دو عاشق»

پادشاه مصر پسری بسیار زیبا روی داشت که از غایت محبت، او را از بیرون رفتن منع می‌کرد.^۱ از قضا با تصویر دختری ماه‌چهره آشنا شد^۲ و دریافت که دختر در بصره است. به بصره سفر کرد^۳ و با حيله‌های فراوان او را در باغی زیارت کرد^۴ و متوجه شد که دختر نیز عاشق او بوده و وصفش را شنیده است. دختر چاره‌ای می‌اندیشد^۵ و از پسر می‌خواهد تا کشتی اجاره کند و خود در هیئت مردان در می‌آید؛ سپس به کشتی سوار، و از بصره خارج می‌شوند.^۶ بعد از ماجراهای فراوان، پدر دختر آگاه می‌شود^۷ و به ازدواج آن دو تن می‌دهد^۸ و دو عاشق به هم می‌رسند (همان، ج: ۲، ۲۱۷۷).

نمادها

۱	i	وضعیت اولیه	۵	j	فریب
۲	x	شر	۶	e	دور شدن
۳	e	دور شدن	۷		آگاهی
۴	y	لحظه پیوند دهنده	۸	N	عروسی

ساختار حکایت

تبادل اولیه	۱- قهرمان، پسر پادشاه است و موقعیت خوبی دارد. ۲- قهرمان عاشق می‌شود. ۳- قهرمان سفر می‌کند.
برهم خوردن تعادل	۴- قهرمان با تلاش فراوان معشوق را می‌یابد. ۵- معشوق برای وصال به ضدقهرمانان (سربازان) نیرنگ می‌زند و در قالب مردان وارد کشتی می‌شود.
تبادل دوباره	۶- قهرمان با معشوق موفق به فرار می‌شود. ۷- قهرمان با معشوق ازدواج می‌کند.

۲-۱-۲-۱ دروغ عملی: ۱۴ مورد

در بررسی تیپها و شخصیت‌های هزار و یک شب مشخص شد که زنان این کتاب جادویی از چه گونه‌گونی برخوردارند؛ از سویی، زنانی حضور دارند که زیرکی، توان بدنی و پرهیزگاری آنها بسیار است و از سوی دیگر زنانی، بغایت متفور و بدطینت. جالب است که در دو قصه با دو الگوی مشابه، شهرزاد از زنانی می‌گوید که برای مدتی کوتاه به ناچار در پوسته مردان فرو می‌روند و در این نقش نیز می‌توانند قدرت والای شخصیتی خود را بنمایند (ثمینی، ۱۳۷۹: ص ۲۲۶)

مثلاً در حکایتهای «ملک شهرمان» و «قمر الزمان و علی بن مجد الدین و کنیزک» زنی به سبب بی‌لیاقتی یا کنجکاوی احمقانه مردش، سرگردان می‌شود و برای حفظ جان خویش، لباس مردانه می‌پوشد.

۱-۲-۱-۲ سحر و جادو

دومین راه حل و کارکردی که فکر فریبگران را برای چاره جویی مشغول می‌دارد، استفاده از سحر و جادوست. استفاده از سحر به صورت خواندن ورد یا دمیدن بر آب و غذا و خوردن آن به طرف مقابل و تغییر شکل افراد به صورت حیوانات در بیشتر موارد به سبب حسادت، انتقام و ترس از قدرت برتر است.

تمام شخصیت‌های زنی که در داستانها حضور دارند به نوعی از هوش و ذکاوت بیشتری نسبت به مردان برخوردارند و نیز مدبرتر از آنان شناخته می‌شوند و برای هر مشکلی، چاره‌ای دارند؛ چه با بهره گرفتن از هوش و درایت خود و چه با بهره گرفتن از نیروی سحر و جادوگری (ابراهیمی، ۱۳۸۸: ۱۲۵).

زنان در این نوع حکایات به دلیل ترس از مردان آنان را به حیوان بدل، و یا رقیبان خود یا فرزندان شوهر و همسر شوهر را به حیوان بدل می‌کنند و اتفاقاً در این موارد اکثراً شکست می‌خورند؛ یعنی روند داستان بر پیدا شدن ضد قهرمان و پیدا شدن یاریگر و نجات شخص سحر شده ادامه می‌یابد!

۲-۲-۱-۲ جلب توجه

۱-۲-۲-۱ دعوت به خود و تمتع: ۹ مورد

۲-۲-۲-۱ عشوه و ناز: ۸ مورد

دلبری و دلربایی زنانه که زنان این حکایتها با بهره‌گیری از آن تلاشی پیگیر برای جلب مردان و سرقت دل آنان دارند؛ زنانی که سقفی برای حمایت و سایه ای برای امنیت

می‌طلبند تا در کنار آن به آرامش برسند؛ مثل حکایت «محمد جواهر فروش» و «بازرگان و زرباجه» و حکایت «عزیز و عزیزه». گاه وعده تمتع و دلبری به منظور انتقام از مردانی است که به نوعی آنان را مورد آزار قرار می‌دهند؛ همچون حکایت «زن و پنج هواخواه» که زن برای انتقام از والی و قاضی و نجار و شاه و وزیر، همه را وعده تمتع در منزل می‌دهد و در یک روز آنها را به حيله در صندوق می‌کند و رسوایی به بار می‌آید و یا به قصد نجات خود، مثل حکایت شاهزاده بهرام و دختر ملک، دلبری و عشوه‌ای صورت می‌پذیرد.

۱-۲-۳ خوراندن بنگ و دارو

در شش حکایت از این حکایتها، زنان به شوهران یا رقیبان و یا هر کسی که از نظر آنان قدرت برتر به‌شمار می‌شود و توان رویارویی با او را ندارند، بنگ می‌خورانند. در حکایت «قمرالزمان و گوهری» و «ملک زاده با دختر عم» با زنانی روبه‌رو هستیم که به همراه غذا و شربت شوهران خود به آنها بنگ می‌خورانند. در حکایت خلیفه و سیاد، زبیده - همسر هارون الرشید - به رقیب خود، قوت القلوب بنگ می‌خوراند تا او را به عنوان رقیب از میان بردارد و حتی در حکایت «علاء الدین و ابوشامات» دختری برای رسیدن به معشوق، پدر خود را با خوراندن بنگ، بیهوش می‌کند و دلیله محتاله در حکایت احمد «دنف و دلیله محتاله» جمعی از مأموران دولت را به این شیوه فریب می‌دهد.

۱-۲-۴ تظاهر به دینداری

تظاهر به دینداری با استفاده از روشهایی چون تسبیح به دست گرفتن، صورت نورانی داشتن، نماز خواندن و وضو گرفتن و ذکر گفتن نیز ۶ مورد از موارد فریب را به خود اختصاص می‌دهد.

جالب اینکه در بیشتر این نوع حکایتها، پیرزنان، فریبگران هستند که اتفاقاً به اقتضای سن و موقعیت اجتماعی خود می‌توانند بیشتر موفق باشند. پیری و زهد و تقوی همواره می‌تواند بیشترین تأثیر را داشته باشد. غیر از موارد ذکر شده، کلاهبرداری، لطف و مهربانی بیش از حد، مطالعه و ... بسامد تکرار کمتری دارد. نمودار ذیل به روشتر شدن مطالب مطرح کمک می‌کند:

نوع مکر

ردیف	نوع مکر	فراوانی	ردیف	نوع مکر	فراوانی
۱	دروغ	۲۳	۱۲	دعوت به خود و تمتع	۹
۲	ترغیب به خیانت	۱	۱۳	کلاه برداری	۴
۳	خیانت به خواجه	۱	۱۴	تهمت، بدگویی و بدگمانی	۸
۴	تظاهر به ناراحتی و ناخوشی	۲	۱۵	تظاهر به دین‌داری	۶
۵	خیانت به شوهر	۲	۱۶	خوراندن بنگ و دارو	۶
۶	تغییر لباس و چهره	۱۴	۱۷	قصه‌گویی	۳
۷	سحر و جادو	۱۲	۱۸	دادن پول و زر	۳
۸	لطف و مهربانی	۴	۱۹	بهره از علم و کتاب	۳
۹	قول ازدواج	۴	۲۱	دزدی	۱
۱۰	عشوه و ناز	۸			
۱۱	دورکردن عاشق	۱			

۲. علت و انگیزه مکر

در این پژوهش بیش از ۱۵ مورد از علل فریبکاری قابل بررسی است؛ نیرنگهایی که بستر مناسب و مستعد اجتماع، آتش آن را شعله ورمی‌سازد و آن‌گاه با توصیه‌های اخلاقی و دوستانه، فریبگران را به صبوری، نیکوکاری، گذشت فرا می‌خواند!

۲-۱ دوست داشتن شوهر یا معشوق و نجات آنان

مهمترین و بیشترین انگیزه مکر در این تحقیق، دوست داشتن شوهر یا معشوق و نجات آنان به شمار می‌آید. تلاشهایی که از سوی زنان برای نجات همسران به علت دوست داشتن آنها صورت گرفته، به ۲۴ مورد می‌رسد، در حالی که این تلاش‌ها برای نجات جان خودشان به ۱۲ مورد کاهش می‌یابد؛ یعنی دوست داشتن شوهر به مراتب انگیزه قویتری است و البته این موضوع در تحقیقات روانشناسی اجتماعی به تحلیلی جداگانه نیاز دارد.

از دیگر موارد انگیزه‌ها با بسامد زیاد به دست آوردن چیزی ارزشمند هم‌چون پول، طلا و یا موقعیتی خاص است. ترس از مجازات و گرفتار شدن به دست قانون نیز ۱۷ مورد از این انگیزه‌هاست؛ مثلاً در حکایت «احمددنف و دلیله محتاله» و «پیر و استر» و «برنج فروش» و «ملک شهرمان و فخر الزمان» و... انگیزه نیرنگ، ترس از مجازات شوهر است و در حکایت «نعمت و نعم و خیاط»، علت نیرنگ ترس از خلیفه و والی است و در حکایت «ودود الاکمام و انیس الوجود»، حفظ آبرو، انگیزه اصلی مکر است.

۲-۲ حسادت

در ۷ مورد انگیزه شرها، حسادت است؛ صفتی که نزد زنان هزار و یک شبی، فراوان یافت می‌شود و انگیزه بسیاری از کنش‌ها و واکنش‌ها و مناسبات در روابط اجتماعی است و البته در جای خود به تجزیه و تحلیل فراوان نیازمند است.

رنج و خفت و حسرت که ایجاد حسد می‌کند، حيله‌گری و چاره‌گری و کلک زدن را به دنبال می‌آورد که با بار معنایی مثبت و خوب می‌شود تدبیر و خردمندی و با بار معنایی منفی و بد می‌شود فریبندگی و حقه‌بازی (مزدپور، ۱۳۸۲:ص ۱۷)

به عنوان مثال در حکایت «پادشاه و هفت وزیر»، زن پادشاه، به وزیر آگاه پادشاه حسادت می‌کند و نقشه قتل او را می‌کشد. در حکایت «زن صدقه دهنده»، زنان ملک به یکی از زنان محبوب شاه حسادت می‌کنند. در حکایت «پیر و غزال»، زنی به همسر و فرزند شوهر خود حسادت می‌کند و...

نیاز به همسر و یا به دست آوردن شوهر و نقطه مقابل آن یعنی تنفر از شوهر، هر کدام ۳ مورد از انگیزه‌های نیرنگ را به خود اختصاص می‌دهد. برای مواردی چون عقده فریبگر و وفاداری و محبوبیت یافتن نزد خواجه و ... با بسامدهای کم رو به رو هستیم که برای اطلاع بیشتر در جدول ذیل آمده است.

علت مکر

ردیف	علت مکر	تعداد	ردیف	علت مکر	تعداد
۱	حسادت	۷	۱۰	حفظ آبرو	۱
۲	انتقام	۹	۱۱	وفاداری به خواجه	۲
۳	اثبات توانایی	۲	۱۲	پستی و لثامت	۱

۴	نجات خود	۱۲	۱۳	تنفر از شوهر	۳
۵	نجات یا دوست داشتن شوهر یا معشوق	۲۴	۱۴	عقده	۱
۶	ترس از مجازات	۱۷	۱۵	به دست آوردن چیزی ارزشمند	۲۲
۷	محبوبیت یافتن نزد خواجه	۱	۱۶	خساست	۱
۸	نجات ممنوع	۷	۱۷	تفریح و لذت	۲
۹	نیاز یا به دست آوردن شوهر	۳			

۳. فریب‌خوردگان

نیرنگها، سلاحی قوی و شمشیری است برنده در رویارویی با هر قدرت و نیرویی که در مقابل نیرنگ‌کننده ظاهر شود و به گونه‌ای او را تهدید کند و یا آرامش و امنیت او را بر هم زند؛ پس این نیرنگها، تنها در مقابل مردان نیست و خود زنان هم از این تدبیر هم‌جنسان خود بی‌نصیب نمی‌مانند. فریبگران از این مایه قدرت و جسارت برخوردارند که برای حفظ موفقیت خویش و تأمین خواسته‌ها حتی با شاه و خلیفه و مأموران دولت نیز رویاروی شوند و خودی نشان می‌دهند یا برای باز پس گرفتن آنچه حق خود می‌دانند، شوهر و پدر و حتی خواهر خویش را در امان نگذارند. در این نیرنگ خوردنها، مردم معمولی یا به عبارتی، مردان جامعه، بیشترین سهم را دارند. پس از آن شوهران آنها، سپس شاه یا خلیفه و سپس، زنان بیشترین آمار را دارند؛ مثلاً در حکایت طیب یهودی، دختر وزیر، خواهرش را می‌فریبد و او را به قتل می‌رساند؛ حتی پدران نیز از مکر دختران در امان نیستند. در حکایت علاءالدین ابوشامات دختر به پدرش بنگ می‌خوراند و او را می‌فریبد.

گذشته از انسانها، حیوانات نیز از این قانون مستثنی نیستند. در حکایت سرگذشت بازرگان و همسر و طوطی، زن بازرگان با ایجاد گرد و غبار مصنوعی، طوطی را می-

فریب‌دو طوطی هوا را طوفانی تصور می‌کند. به طور کلی فریب خوردگان به این ترتیب بیشترین فراوانی را دارند:

فریب خوردگان

ردیف	فریب خوردگان	تعداد	ردیف	فریب خوردگان	تعداد
۱	مردم معمولی	۳۸	۸	پدر	۳
۲	شوهر	۱۶	۹	دشمن	۲
۳	شاه	۱۴	۱۰	والی	۲
۴	زن	۱۴	۱۱	عموم مردم	۱
۵	مأموران دولت	۱۱	۱۲	خواجه	۱
۶	صاحبان مشاغل مختلف	۶	۱۳	عفریت	۱
۷	وزیر	۳	۱۴	حیوان	۱

۴. فریبگران

فریبگران نیز از طبقات مختلف اجتماعی تشکیل شده‌اند و هر کدام با انگیزه‌های متفاوت؛ چنانکه در میان آنها، زنان معمولی اجتماع با بیشترین بسامد هستند. ۴/۸ مورد زنانی هستند که به عنوان همسر، رقیب، همسایه و ... برای رسیدن به خواسته خود از این ترفند استفاده می‌کنند. پیرزنان نیز به عنوان مظاهر افراد باتجربه و کارآزموده به نیرنگ‌هایی که بیشتر به شخصیت آنها نزدیک باشد، دست می‌یازند؛ مثلاً تمام فریب‌هایی که در قالب دینداری و زهد قرار می‌گیرد، مخصوص پیرزنان است.

زنان صاحب قدرت و منصب نیز با همه امکاناتی که دارند نیز از این سلاح پنهان و غیرمستقیم بهره می‌جویند؛ به عنوان مثال زبیده خاتون، همسر هارون الرشید، گرچه در دربار صاحب شوکت و عزت و قدرت است، وجود قوت‌القلوب -کنیز سوگلی خلیفه- او را آزار می‌دهد و تصمیم به قتل او می‌گیرد.

سرانجام کنیزان نیز از سلاح درونی بی‌بهره نیستند. آنها همواره کمک و یاور سروران و صاحبان خویش هستند، هر جا که لازم باشد صاحبان یا خواجگان به مقصودی برسند از نیروی فکر کنیزان خویش بهره‌مند می‌شوند؛ مثلاً در حکایت «شجره الدر»، بازرگان زاده با حيله کنیز، لباس خلیفه را می‌پوشد و وارد قصر می‌شود.

تحلیل ساختاری مکر و حيله زنان در قصه‌های هزار و یک‌شب

در جدول ذیل فریبگران مشخص شده‌اند:

فریبگران

زن معمولی	زن شاه یا خلیفه	پیرزن	زن معمولی
۶	۷	۱۸	۴۸

شیوه‌های مکر

واکنشی		کنشی	
۶۹		۴۶	
ناموفق	موفق	ناموفق	موفق
۱۵	۵۴	۱۰	۳۶

نتیجه‌گیری

در ابتدا حدس زده می‌شد که این مکرها، فقط واکنشی است؛ یعنی در پاسخ به نابرابریها، اعمال قدرت و ... نیرنگهایی صورت می‌پذیرد که آن را واکنش می‌نامیم؛ اما در این پژوهش مشخص شد که حرکت‌های کنشی و ابتدا به ساکن نیز از سوی فریبگران صورت می‌گیرد که تعداد آن ۴۶ مورد و در مقابل تعداد واکنش‌ها -۶۹- مورد- قابل توجه است. نکته قابل ذکر این است که در بیشتر موارد، یعنی ۵۴ بار، حرکت‌های واکنشی عادلانه و موفق است. در داستان‌های قدیمی که به رضایت خواننده، توجه دارد، مسئله پیروزیهای عادلانه و ناعادلانه چشمگیر است. ذهن مخاطب می‌پذیرد و می‌پسندد که به نوعی شخص مظلوم و حق به جانب در آخر داستان به پیروزی برسد و به عبارتی مخاطب، فرجام خوش را برای شخصیت‌های مظلوم و بی‌گناه آرزو می‌کند و بیشتر داستانها در هزار و یک شب نیز مثل قصه‌های کودکان با همین شیوه خوش پایان می‌پذیرد و شخص ظالم و ستمگر، به سزای رفتار خویش می‌رسد! در بررسی نتایج این مکرها کمابیش به این نکته می‌رسیم؛ یعنی با احتساب ۵۴ مورد مکر واکنشی موفق به رضایت درونی می‌رسیم؛ گویی از پیش، انتظار موفقیت برای این شخصیتها در ذهنمان طراحی شده بوده است.

در هزار و یک شب، مناسبات عناصر، همواره به گونه ای ساده و مستقیم علت و معلولی است (احمدی، ۱۳۷۲: ۲۸۲). در این تحقیق که بنمایه اصلی حکایت‌های آن، نیرنگ است میان عناصر سازنده مکر و فریب روابط علی و معلولی حاکم است. فریبه‌ها، باعث به وجود آمدن قصه‌ها می‌شوند و به گسترش پیرنگ داستان کمک می‌کند. به عبارتی نیرنگ، پیرنگ قصه‌های مکر و فریب در هزار و یک شب است. همان طور که فریب - یا به تعبیر بهتر تدبیر- شهرزاد گسترش‌دهنده جامع اصلی است یا «دلیله محتاله» و فریبه‌های او که ۱۰ مورد از حکایتها را به خود اختصاص داده از چنین ویژگی برخوردار است. در شماری دیگر از حکایتها، نیرنگ در حاشیه قرار می‌گیرد؛ اما کمابیش برای پیشبرد داستان نیازمند وجود آن هستیم.

به طور کلی، نتایج پژوهش با دستاوردهای پراپ همخوانی فراوانی دارد؛ به این ترتیب که نشان می‌دهد در ۵۰ حکایت مورد نظر برخلاف تنوع ظاهری قهرمانان و عملکردهایشان، تعداد قهرمانان و کنش‌هایشان و توالی آن بسیار به هم شبیه، و دارای ساختار واحدی است و هم‌چنین بیانگر این است که آثار شرقی، توان مطابقت با الگوی پراپ را دارد.

پی‌نوشت

1. Fairy tales

۲. تقسیم دروغ به دو بخش لفظی و عملی را آقای دکتر اکبر اخلاقی پیشنهاد کردند که از راهنمایی‌های بزرگوارانه ایشان سپاسگزاریم.

منابع

۱. ابراهیمی، شایسته؛ «چاره‌گری زنانه در هزارویک شب»؛ مجله بهار ادب، س دوم، ش دوم، ۱۳۸۸؛ ص ۱۲۵ تا ۱۳۵.
۲. احمدی، بابک؛ ساختار و تأویل متن؛ ج ۱، تهران: مرکز، ۱۳۷۰.
۳. بالایی، کریستف و میشل کویی پرس؛ سرچشمه داستان‌های کوتاه فارسی؛ کریمی حکاک؛ احمد؛ ج سوم، تهران: معین، ۱۳۷۸.
۴. بولن، شینودا؛ اسطوره روانشناسی زنان؛ ترجمه آذر یوسفی، تهران: روشنگران، ۱۳۷۳.

تحلیل ساختاری مکر و حيله زنان در قصه‌های هزار و یک‌شب

۵. پراب، ولادیمیر؛ *ریخت‌شناسی قصه‌های پریان*؛ ترجمه فریدون بدره‌ای، چ دوم، تهران: توس، ۱۳۸۶.
۶. ثمینی، نغمه؛ *کتاب عشق و شعیده*؛ تهران: مرکز، ۱۳۷۹.
۷. خراسانی، محبوبه؛ *درآمدی بر ریخت‌شناسی هزارویک‌شب*؛ اصفهان: تحقیقات نظری، ۱۳۸۷.
۸. دهخدا، علی‌اکبر؛ *لغت‌نامه دهخدا*؛ (نرم افزار پژوهشی)؛ روایت دوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۹. ستاری، جلال؛ *افسون شهرزاد*؛ تهران: توس، ۱۳۶۸.
۱۰. _____؛ «*داغی بر پیشانی هزارویک‌شب*»؛ مجله اعتماد، مردادماه، ۱۳۸۸، از ص ۱۲ تا ۱۰.
۱۱. سجادی، سید محمود؛ «*هزارویک‌شب و شهرزاد قصه‌گو*»؛ نشریه رودکی، بهمن‌ماه، ۱۳۸۵، از ص ۱۱۴ تا ۱۱۸.
۱۲. طسوجی، عبداللطیف (مترجم)؛ *هزار و یک‌شب*، چ دوم، تهران: هرمس، ۱۳۸۶.
۱۳. لاهیجی، شهلا و مهر انگیز کار؛ *شناخت هویت زن ایرانی*؛ چ دوم، تهران: روشنگران، ۱۳۷۱.
۱۴. مزداپور، کتایون؛ *گناه ویس*، تهران: اساطیر، ۱۳۸۲.
۱۵. _____؛ *دلیله محتاله و مکر زنان*، تهران: روشنگران، ۱۳۷۴.
۱۶. مهندس‌پور، فرهاد؛ «*در جستجوی شهرزاد هزارویک‌شب*»؛ فصلنامه پژوهش‌های ادبی، ش ۱، ۱۳۸۶.

17. Hendrichs, William, *Folklore and Structural Analysis of Literary Texts*, London, 1970.

18. Propp, Vladimir, *Morphology of the Folktale*, Translated by Laurence Scott, Austin University of Texas press, 1968.

